

بررسی دستگاه فعلی در گویش نهاوندی (قسمت اول)

کرم رضا شریفی

کارشناس ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی

مقدمه :

قبل از این که دستگاه «فعلی» را در گویش نهاوندی بررسی کنیم از توضیح چند موضوع مقدماتی ناگزیر هستیم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نشانه‌های آوایی

برای این که بتوان پژوهش‌های زبان‌شناسانه را به صورت نوشته در آورد نیاز به استفاده از دستگاه الفبایی هست که هم آواشناسان و هم افراد دیگر آواهای مختلف را تلفظ کنند . این مسئله بیش‌تر از آن‌جا ناشی می‌شود که الفبای زبان‌ها و گویش‌های مختلف دارای کمبودها و نواقصی هستند که برای تلفظ کردن آواهای مختلف چه در نزد گویشوران همان زبان و چه دیگر زبان‌ها دچار مشکل می‌شویم .

این مسئله در زبان فارسی و گویش‌های زیرمجموعه‌ی آن ، از جمله گویش نهاوندی نیز به وضوح دیده می‌شود . مثلاً گاهی چند حرف با اختلافات جزئی دارای یک آوا

هستند ، مانند «ذ ، ز ، ض ، ظ» که در آوانویسی فقط با نشانه‌ی آوایی /z/ نشان داده می شود و یا برخی از آواها فاقد نمود عینی هستند مانند آواهای /a/ ، /e/ ، /o/ در کلمات مرد (mard) ، مزد (mozd) و مس (mes) .

برای حل این مشکل ، در سال ۱۸۸۸ میلادی انجمن بین المللی آواشناسی^(۱) مانند علوم نظری دیگر که در قرن نوزدهم به اوج خود رسیدند دستگاه الفبایی آوانگار بین المللی را ایجاد کرد . این دستگاه از نشانه‌های لاتین و آواهای جدید دیگری که در زبان لاتین نمودی نداشت به طور قراردادی تشکیل گردید . این نشانه‌ها به دو صورت اصلی و فرعی تقسیم می شوند . نشانه‌های اصلی همان نشانه‌ی حرفی و نشانه‌های فرعی شامل نشانه‌ی زیر و زبری هستند . در این جا فقط از نشانه‌ی اصلی استفاده می شود .

در آوانگاری^(۲) صداها باید به دو نکته‌ی واج نویسی و آوانویسی صداها توجه کرد : الف - واج نویسی^(۳) که در آن نقش ساختی صداها مورد نظر است . یعنی روابطی که باعث تقابل معنایی می شود . مثلاً با جابه جایی واج‌های /t/ و /m/ در کلمات (تار) Târ و (مار) Mâr معانی آن‌ها تغییر می کند . معمولاً واج را در میان علامت // قرار می دهند .

ب - آوانویسی^(۴) که در آن ویژگی‌های تولیدی و طبیعت آوایی صداها مورد توجه قرار می گیرد . یعنی تفاوت آوایی دو صدا مورد ارزیابی قرار می گیرد . مثلاً تفاوت آواهای [k] و [k̄] در واژه‌های kur (کور) و kar (کر) که یکی «پسین گرد» است و دیگری «پسین باز» . در این جا ما بیش تر از واج نویسی یا همان آواشناسی کلی استفاده می کنیم .

همانند زبان فارسی و همه زبان‌های دیگر دنیا ، آواهای گویش نهایندی به دو گروه «واکه‌ها» و «هم‌خوان» یا مَصَوْت و صامت تقسیم می شوند .

1 - International Phonetic Association

2 - transcription

3 - broad transcription

4 - narrow transcription

واکه‌ها

از دیدگاه واج‌شناسی «واکه‌ها» یا «مصوّت‌ها» هسته‌ی مرکزی هجا و «هم‌خوان»‌ها یا «صامت»‌ها حاشیه‌ی آن‌را تشکیل می‌دهند. بنابراین هر هجا لزوماً حداقل دارای یک «واکه» و یک یا چند «هم‌خوان» است.

واکه قله‌ی هجا را تشکیل می‌دهد و حذف آن از هجا سبب به هم خوردن هجا می‌شود یعنی بدون واکه هجا نمی‌تواند تشکیل شود. برای مثال هجای «سر» /sar/ از واکه‌ی /a = ɛ/ و هم‌خوان‌های /s = s/ و /r = r/ ساخته شده است. هر «هجا» یک «واکه» بیش‌تر ندارد و بدون آن هم‌خوان‌ها تلفظ نمی‌شوند. به عبارت دیگر در یک کلمه به تعداد «واکه»‌ها هجا (= بخش) داریم.

واکه‌ها در گرایش نهایندی

در گرایش نهایندی هفت واکه‌ی ساده و دو واکه‌ی مرکب وجود دارد:

معنی فارسی	تلفظ نهایندی	واژه	نشانه‌ی آوایی
سر	سَر	sar	a
زمین	زِمی	zemi	e
بُرد	بُرد	bord	o
باد	باد	bâd	â
خوب	خو	xu	u
پول	پیل	pi	i
آب	او	'ew	ew
بگیر	بیر	beyr	ey
گریه کردن	گیرَو	gürva	ü

واکه‌ی /ɪ̃/ (آخرین واکه) واکه‌ای کاملاً پیشین، بسته و گرد است که مشابه آن در

گوش استاندارد فارسی وجود ندارد. این واکه در زبان های ترکی و فرانسه مورد استفاده قرار می گیرد. این واکه در زبان لری رایج است و گوش نهاوندی آن را از زبان لری گرفته است. لذا در بسیاری کلمات مانند *gürva* (گریه کردن)، *lülesa* (لولیدن) و *jülesa* (جنیدن) به کار می رود.

در موارد بسیاری ورکه ی /t̪/ به واکه ی /i/ تغییر آوایی یافته است. به طوری که هر دوگونه ی آن امروزه متداول شده است، مانند *gürvesâ*، *lülesâ*، *jülesa* که به صورت های *gürvesâ*، *lilesâ*، *girvesâ* نیز به کار می روند. این واکه بسته بودن و پیشین بودن خود را حفظ کرده، اما تدریجاً به سوی گستردگی گرایش یافته است.

واکه ی ساده :

واکه ی ساده واکه ای است که هنگام تولید آن زبان ثابت بوده و از وضعیتی به وضعیت دیگر در نمی آید. واکه های «*ü, i, u, â, o, e, a*» که در گوش نهاوندی رواج دارند، ساده هستند.

واکه های مرکب

واکه ی مرکب واکه ای است که آن بخش از زبان که در تولید آن دخالت دارد از حالتی به حالت دیگر حرکت می کند (غلت می خورد). یعنی جایگاه تولید آن از واکه ای به سوی واکه ای دیگر در حرکت است. مانند واکه ی مرکب /ew/ که از واکه ی /e/ شروع و به نیم واکه /w/ رسیده است. (مثال: /ew/ در واژه ی "dewesa" به معنی دویدن) و واکه ی مرکب /ey/ که از واکه ی /e/ شروع شده و به نیم واکه ی /y/ حرکت کرده است. (مثال: /ey/ در واژه ی "beyr" به معنی بگیر.)

نکته :

کشیدگی را با اضافه کردن علامت «*ː*» به واکه یا هم خوان مورد نظر نشان می دهند

مانند واکه‌ی کشیده /i:/ در واژه‌ی /šit/ (شیر) به معنی شیر و واکه‌ی کشیده‌ی /e:/ در واژه‌ی ke:dem (کدم) به معنی کردم.

هم‌خوان‌ها :

همان‌طور که گفته شد هم‌خوان‌ها یا (صامت‌ها) واج‌هایی هستند که در تولید هجا شرکت دارند و بدون آن‌ها هجا شکل نمی‌گیرد. البته می‌توان با توجه به بافت کلام، برخی از هم‌خوان‌ها را حذف کرد. مثلاً در واژه‌ی "ke:dem" به معنی کردم هم‌خوان /ɾ/ حذف شده و باعث کشیدگی واکه‌ی قبل از خودش شده است. تغییر در آن بدین صورت است که هجا‌های (۱) cvccvc به هجای cvcvc تبدیل و با حذف هم‌خوان /ɾ/ هجا کوتاه شده است. هم‌خوان‌های گویش نهاوندی عبارت‌اند از:

معنی فارسی	گویش نهاوندی	واژه	نشانه‌ی آوایی
بام	بُ	bo	b
کفش	پالا	pâlâ	p
طناب	تناف	tenâf	t
دوست	دوس	dus	d
سگ	سی	sey	s
زن	ژنه	za	z
چوب	چول	cu	(۲)c
مفصل	گشون	gošvan	g
کباب	کواو	kavâv	k

۱ - c (consonant) نشانه‌ی اختصاری هم‌خوان (صامت) و v (vowel) نشانه‌ی اختصاری واکه (مصوت) است. در زبان‌شناسی هجای مثلاً «سر» /sar/ را به شکل CVC نشان می‌دهند. هم‌چنین است واژه‌ی دو هجایی بُردم (بُردم) که به شکل cvccvc نشان داده می‌شوند.

۲ - برای آوانویسی «چ» از «c» هم استفاده کرده‌اند در این‌جا نشانه‌ی بالا «C» انتخاب شده است.

j	jevo	جَو	جوان
q	qelâ	قَلا	منزل (حیاط)
'	'o	أ	او
r	ri	ری	رو (صورت)
š	miš	میش	موش
z	zezu	ژُزُو	جوجه تیغی
v	vela	ولا	پهن (گسترده)
f	faroq	فَرق	فندق
h	hani	هنی	دوباره
m	mi	می	مو
n	nal	نل	نگذار
l	lâr	لار	بدن
y	yaxdo	یخْدُ	یخدان
ŋ	janŋ	جَنگ	جنگ

نکته :

در کلمه‌ای مانند ابر 'abr هم‌خوان /, / یا همزه که جایگاه تولید آن در چاکنا (انتهای گلو) است اول آمده و پس از آن واکه‌ی (مصوّت) a می‌دانیم در فارسی هیچ کلمه‌ای با واکه (صامت) آغاز نمی‌شود. کلمات دیگری مانند: او، آن، این نیز با هم‌خوان /, / یا همزه آغاز شده‌اند: /in /ân /u / هم‌چنین صدای «ع» در کلماتی مانند عمو با این هم‌خوان نشان داده می‌شود: /amu/.

۲- عناصر فعلی

ستاک فعل

ستاک یا ماده یا بن فعل قسمتی از فعل است که معنی اصلی را در بر دارد و هسته‌ی گروه فعلی را تشکیل می‌دهد. با افزودن نشانه‌های حال و گذشته و شناسه‌های شخص و شمار به ستاک فعل صورت‌های مختلف فعل ساخته می‌شود. برخی از ستاک‌ها و یا ریشه‌های فعل که معمولاً زمان حال و گاهی زمان گذشته از آن‌ها صادر می‌شود عبارت‌اند از:

		الف - زمان حال	
lül	لول	larz	لرز
šur	شور	tars	ترس
'ar	آر	xan	خن
kon	کن	raqs	رقص
dew	دو	gürv	گیرو
hes	هس	jom	جم
kan	کن	jül	جیل
xor	خور	mir	میر
'â	آ	duz	دوز

ب - از برخی از ستاک‌ها فقط زمان گذشته‌ی ساده صادر می‌شود:

ستاڪ	گذشته	معنى
bor	bord	برد
ker	kerd	کرد
ke	ke:d	کرد
mor	mord	مرد
'ever	'everd	آورد
geref	gereft	گرفت

برخی از ستاک‌ها خودشان بدون افزودن تکواژ ماضی ساز، برگزیده دلالت دارند، مانند «Di» یعنی بود.

اکنون به صورت‌های فعلی می‌پردازیم. صورت‌های فعلی مهم که دیگر زمان‌ها از آن‌ها صادر می‌شوند حال یا گذشته هستند به این شرح:

صورت حال

صورت حال فعل پس از افزودن پیشوندهای /me/, /mo/, /ma/, /mi/ و همچنین افزودن شناسه‌های شخص و شمار به ستاک فعل ساخته می‌شوند. البته چهار تکواژ بالا به واسطه‌ی هماهنگی واکه‌ای در بافت‌های گوناگون به این چهار صورت درآمده‌اند.

فارسی	فعل	→ شناسه‌ی شمار	+ ستاک فعل	+ پیشوند
می‌لرزم	melarzem	+ em	+ larz	me
می‌لرزی	melarzi	+ i	+ larz	me
می‌لرزد	melarza	+ a	+ larz	me
می‌لرزیم	melarzim	+ im	+ larz	me
می‌لرزید	melarzit	+ it	+ larz	me
می‌لرزند	melarzan	+ an	+ larz	me

شناسه‌های شخص و شمار

شناسه‌های شخص و شمار در گویش نهاوندی از زمان‌های حال و آینده عبارت‌اند از:

مفرد	جمع
-em	-im
-i	-it
-a	-an

چند مثال دیگر برای زمان‌های حال و آینده :

marem	می برم	marim	می بریم
mari	می بری	marit	می برید
mara	می برد	maran	می برند
morem	می برم	morim	می بریم
mori	می بری	morit	می برید
mora	می برد	moran	می برند
miyârem	می آورم	miyârim	می آوریم
miyâri	می آوری	miyârit	می آورید
miyâra	می آورد	miyâran	می آورند
memirem	می میرم	memirim	می میریم
memiri	می میری	memirit	می میرید
memira	می میرد	memiran	می میرند

صورت گذشته‌ی فعل

صورت گذشته‌ی فعل معمولاً با افزودن تکواژهای ماضی‌ساز به ستاک فعل ساخته می‌شود که قاعده‌ی ساخت آن به صورت زیر است :

فارسی	صورت گذشته	→ تکواژ ماضی‌ساز	+ ستاک فعل
خندید	xanes	es	xan
خورد	xord	d	xor
خرید	xari	i	xar
برد	bord	d	bor
کاشت	kâšt	t	kâš

شناسه‌های شخص و شمار گذشته

شناسه‌های شخص و شمار گذشته عبارت‌اند از :

مفرد جمع

-em -im

-i -it

-en

پروبوگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مثال برای گذشته‌ی ساده :

xordem	خوردم	xordim	خوردیم
xordi	خوردی	xordit	خوردید
xord	خورد	xorden	خوردند

علامت «Ø» تکواژ صفر نامیده می‌شود. برای سوم شخص مفرد گذشته‌ی ساده، شناسه‌ی شخصی نداریم.

تکواژ ماضی ساز

تکواژهای ماضی ساز مفهوم گذشته را به ستاک فعل اضافه می کنند و عبارت اند از:

/-d/-t/-i/-es/

اکنون برای هر کدام چند مثال ذکر می کنیم.

/es/(۱)

فارسی	گذشته ی ساده	→ تکواژ ماضی ساز +	ستاک متن
خندید	xanes	→ es	xan
پاره شد	qertes	→ es	qert
گریه کرد	gürves	→ es	gürv
جنید	jomes	→ es	jom
رقصید	vaqses	→ es	raqs
دوید	dewes	→ es	dew

/-i/(۲)

فارسی	گذشته ی ساده	→ تکواژ ماضی ساز +	ستاک
کشید	kaši	→ i	kaš
تراشید	trāši	→ i	trāš
بُرید	bori	→ i	bor
درید	deri	→ i	der
خرید	xari	→ i	xar

/-t/(۳)

فارسی	گذشته ی ساده	→ تکواژ ماضی ساز +	ستاک
شست	šušt	→ t	šur
کاشت	kāšt	→ t	kâr
کُشت	košt	→ t	koš

در نمونه‌ی اول و دوم /r/ تبدیل به /š/ شده است و سپس تکواژ ماضی ساز اضافه شده است. به واسطه‌ی همگون شدن /r/ با /t/ هم خوان /š/ ایجاد شده است.

/d/ (۴)

فارسی	گذشته‌ی ساده	→ تکواژ ماضی ساز +	ستاک
برد	bord	d +	bor
خورد	xord	d +	xor
آورد	'eerd	d +	'ever

نکته :

تکواژ ماضی ساز /-es/ در نقش نشانه‌ی مفعول به کار می‌رود که بعداً مورد بحث قرار می‌گیرد. مانند :

ریخته شد	→	es +	→	rextes	rext
شکسته شد	→	es +	→	ešgeš	'ešg
پوسیده شد	→	es +	→	püses	püs
بریده شد	→	es +	→	borres	bor
کنده شد	→	es +	→	hannes	kan
بریده شد	→	es +	→	qertes	qert

نشان تعدی و سببیت

تکواژ /-enâ/ نشان تعدی و سببیت فعل است که بعداً درباره‌ی آن بحث خواهد شد.

فارسی	ماضی متعدی	→ تکواژ تعدی	ستاک
ترساندمش	tarsenâmeš	enâ +	tars
شکاندمش	'ešgenâmeš	enâ +	'ešg
لرزاندمش	larzenâmeš	enâ +	lars

افعال با قاعده

افعال با قاعده یا منظم افعالی هستند که با اضافه کردن تکواژهای ماضی ساز /es/ یا /d/ به ستاک حال فعل (بن مضارع) ساخته می شوند و یا پس از حذف تکواژ ماضی ساز، ستاک فعل بدون تغییر باقی می ماند. برخی از افعال با قاعده عبارت اند از:

xan	+	es	→	xanes	خندید
raqs	+	es	→	raqes	رقصید
larz	+	es	→	larzes	لرزید
xor	+	d	→	xord	خورد

افعال بی قاعده

ستاک برخی از افعال هنگام افزودن تکواژ ماضی ساز تغییر می کند که به آن ها بی قاعده می گویند. مثلاً ستاک *šur* هنگام تبدیل به گذشته به صورت *šust* در می آید. یعنی هم خوان /r/ به هم خوان /š/ تبدیل می شود و سپس تکواژ ماضی ساز به آن اضافه می شود که به دلیل همگونی با تکواژ ماضی ساز /t/ از واگذاری /r/ به بی واکی /š/ تبدیل شده است. هم چنین ستاک *riz* به صورت *rext* در آمده، که باز هم تکواژ ماضی ساز /t/ بر /z/ واگذار اثر کرده و به صورت آوای بی واکی /x/ در آمده است و یا *dux* به *doxt* تبدیل شده. علاوه بر این تغییر، واکی ریشه از حالت افراستگی به نیم افراشته در آمده است یعنی واکی بازتر شده است.

مصدر

مصدر یکی از اقسام اسم است که کاربرد آن فراوان است و وجوه اشتراک زیادی با فعل دارد. ولی چون در بافت کلام عمل کردی مانند اسم دارد می تواند در نقش اسم ظاهر شود. در فارسی علامت مصدر «ن» است که به آخر ستاک فعل (بن فعل) اضافه می شود. مانند بودن، رفتن و آمدن. در گویش نهاوندی علامت مصدر تکواژ «a» است که

به ستاک حال فعل (بن مضارع) اضافه می شود .

همان طور که گفته شد قبل از اضافه شدن تکواژ مصدری یکی از تکواژهای ماضی ساز /-es/-t/-d/ می آید ، مثلاً در مصدر «tarsesa» ، «a» نشان مصدری ، «-es» تکواژ ماضی ساز و tars ستاک فعل است .

اگر ریشه‌ی فعل به /-esa/ ختم شود معادل «یدن» در گویش رسمی زبان فارسی است که تقریباً شبیه به مصدر جعلی در دستور سستی است و مصدرهایی که به /-da/ یا /-ta/ ختم می شود معادل با «دن» یا «تن» در گویش رسمی زبان فارسی است .

اکنون به بررسی مصدر و تکواژ ماضی ساز /-es/ می پردازیم و سپس آن را با مصدر در گویش زبان فارسی مقایسه می کنیم:

فارسی	مصدر	→ نشان مصدری	+	تکواژ معنی ساز es	+	ستاک فعل
رقصیدن	reqsesa	→ a	+	es	+	reqs
خندیدن	xannesa	→ a	+	es	+	xan
گریه کردن	gurvesa	→ a	+	es	+	gurv
ترسیدن	tarsesa	→ a	+	es	+	tars
جنبیدن	jomesa	→ a	+	es	+	jom
لولیدن	lulesa	→ a	+	es	+	lul
ول خوردن	julesa	→ a	+	es	+	jul
دویدن	dewesa	→ a	+	es	+	dew

حال به ساخت مصدر از زبان فارسی رسمی در زیر توجه کنید .

tars + id + an → tarsidan

به نظر می رسد که نشان مصدری /-an/ برابر با /-a/ در گویش نهاوندی است و /n/ پایانی آن حذف شده است که از نظر زبان شناسی احتمال این حذف می رود . ستاک در مصدرهای زیر به تکواژهای ماضی ساز /-d// -t/ ختم می شود و نشان مصدری آن‌ها /-a/ است :

فارسی	مصدر	→	نشان مصدری	+	تکواژ ماضی ساز	+	سناک فعل
خوردن	xorda	→	a	+	d	+	xor
ریختن	rexta	→	a	+	t	+	riz

چند مثال دیگر برای ساخت مصدر

فارسی	مصدر	→	نشان مصدری	+	تکواژ ماضی ساز	+	سناک فعل
بردن	borda	→	a	+	d	+	bor
مردن	morda	→	a	+	d	+	mor
گفتن	gofta	→	a	+	t	+	gof
دوختن	doxda	→	a	+	d	+	dox
ریختن	rexta	→	a	+	t	+	riz
کردن	kerda	→	a	+	d	+	ker

همان طور که قبلاً گفته شد صورت حال و گذشته‌ی برخی از افعال دچار تغییرات

آوایی می شود که باید بررسی شوند.

□ در مصدر doxda، ریشه یا سناک فعل /-oz/ است که واج /d/ به ابتدای آن اضافه شده و سپس واج /z/ به /x/ تبدیل شده، آنگاه تکواژ مصدری /a/ به آن اضافه شده است و صرف زمان حال آن به همان صورت یعنی meyozem (می دوزم) باقی مانده است. اما در تلفظ برخی گویشوران صورت گذشته به صورت moxdem (می دوختم) معمول است. بنابراین می توان نتیجه گرفت سناک گذشته فعل مورد نظر /-ox-/ است.

□ در مصدر rexta سناک فعل /riz/ است. در این جا واج واکدار /z/ به واج بی واک /x/ تبدیل شده است. همان طور که قبلاً گفته شد این تبدیل به سبب همگون شدن با تکواژ بی واک ماضی ساز /t/ است.

تغییر دیگری که در این فعل دیده می شود، این است که واکه‌ی بسته‌ی /i/ به واکه‌ی نیم

بسته /e/ تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد که این تغییر به علت همگون شدن با تکواژ ماضی ساز /t/ است. زیرا واکه‌ی /e/ از نظر واجگاهی به /t/ نزدیک‌تر است.

□ در مصدر «gofita» اگر بخواهیم ستاک گذشته را مشخص کنیم پدیده پیچیده‌ای وجود دارد. با توجه به شواهد و تکرار افعال دیگر به نظر می‌رسد که تکواژ ماضی ساز به ستاک گذشته gof اضافه شده است. اما هنگامی که زمان حال این فعل را بررسی کنیم در ستاک فعل فقط واج /-/ باقی می‌ماند. مثلاً فعل moem که به صورت mo-em (می‌گویم) تقطیع می‌شود به نظر می‌رسد هیچ ارتباطی بین ستاک زمان حال و گذشته‌ی آن وجود ندارد و ستاک گذشته‌ی این فعل به صورت ft- است چنان‌که می‌گوییم "moftem": (می‌گفتم)

□ در مصدر keda ستاک حال فعل kon بوده است که واج /n/ حذف شده است و باز هم واکه‌ی بسته‌ی o به واکه‌ی /e/ تبدیل شده است. سپس به تکواژ ماضی ساز /d/ اضافه شده و به صورت ked درآمده است و پسوند a به عنوان نشان مصدری به آن اضافه شده و مصدر keda ساخته شده است.

واکداری حالتی است که در هنگام تولید آن تارهای صوتی به لرزه در می‌آید، مانند واج‌های /g-z-d-b/ بی‌واکی حالتی است که در هنگام تولید واج تارهای صوتی به لرزه در نمی‌آیند مانند /k-s-t-p/.

□ در مصدر "biya" (به معنی بودن) ستاک گذشته یعنی «bi» وجود دارد که به آن نشان مصدری a اضافه شده است و برای اجتناب از التقای مصوت‌ها واج میانی «y» به آن اضافه شده است.

اصولاً در زبان فارسی و گویش‌های مربوط به آن از جمله گویش نهاوندی هیچ‌گاه دو واج صدادار در کنار هم قرار نمی‌گیرند. بنابراین می‌گوییم:

bi+y+a → biya بودن

هم‌چنین است مصدر diya به معنی دیدن:

di+y+a → diya دیدن

□ مصدر "xoftiya" از ستاک گذشته‌ی «xoft» به معنی خوابیدن گرفته شده است. یعنی

به صورت $xoftiya \rightarrow xoft+iya$ که از مصدر خفتن گرفته شده است، نه از مصدر خوابیدن.

شناسه‌های فعلی

شناسه‌ها یا وندهای شخصی به صورت پسوند در ساختمان فعل ظاهر می‌شوند و مفاهیم شخص و شمار را به آن می‌افزایند. دستگاه شخصی دارای سه امکان و دستگاه شمار دارای دو امکان مفرد و جمع است. گویش نهاوندی همانند زبان فارسی از این شش امکان در زمان‌های گذشته و حال استفاده می‌کند.

شناسه‌های حال و آینده عبارت‌اند از:

مفرد	جمع
-em	-im
-i	-it
-a	-an

مثال از مصدر "خوردن" (*xorda*)

moxorem	می‌خورم	moxorim	می‌خوریم
moxori	می‌خوری	moxorit	می‌خورید
moxora	می‌خورد	moxoran	می‌خورند

شناسه‌های گذشته‌ی ساده عبارت‌اند از:

مفرد	جمع
-em	-im
-i	-it
∅	-en

مثال از مصدر "خوردن" (xorda)

xordem	خوردم	xordim	خوردیم
xordi	خوردی	xordit	خوردید
xord	خورد	xorden	خوردند

شناسه‌های ماضی نقلی

شناسه‌های ماضی نقلی از گویش نهاوندی عبارت‌اند از :

<u>مفرد</u>	<u>جمع</u>
-am	-eym
-ey	-eyt
-a	-an

برای صرف ماضی نقلی در زبان فارسی احتیاج به صفت مفعولی و شناسه‌های شخصی داریم. صفت مفعولی با افزودن واکه‌ی /e/ به عنوان نشانه‌ی مفعولی به گذشته‌ی فعل مورد نظر ساخته می‌شود. مانند خورده‌ام (xorde 'am).

در گویش نهاوندی صفت مفعولی از ادغام واکه‌ی /e/ با شناسه‌های شخصی گذشته‌ی ساده حاصل می‌شود. بدین ترتیب که پس از ستاک گذشته (بن ماضی)، واکه‌ی /e/ با شناسه‌های شخصی گذشته‌ی ساده ادغام و به صورت زیر صرف می‌شود :

فارسی	مثال	شناسه‌های ماضی نقلی، شناسه‌های گذشته ساده +	نشانه مفعولی +	ستاک گذشته
خورده‌ام	xordam	am →	e +	xord +
خورده‌ای	xordey	ey →	e +	xord +
خورده‌است	xorda	a →	e +	xord +
خورده‌ایم	xordeym	eym →	e +	xord +
خورده‌اید	xordeyt	eyt →	e +	xord +
خورده‌اند	xordan	an →	e +	xord +

در زبان فارسی هیچ‌گونه ادغامی صورت نمی‌گیرد و تنها برای جلوگیری از التقای مصوّت‌ها هم‌خوان میانجی // بین نشانه‌ی مفعولی /e/ و واکه‌ی شناسه‌ی شخصی آمده است. مثال:

خورده‌ام xorde'am → xord + e + am

مثال از مصدر پختن (poxta):

معنی	فارسی	نهاوندی	معنی	فارسی	نهاوندی
پخته‌ایم	poختهim	poختهym	پخته‌ام	poخته'am	poختهam
پخته‌اید	poختهid	poختهeyt	پخته‌ای	poختهei	poختهey
پخته‌اند	poخته'and	poختهan	پخته‌است	poخته'ast	poختهasta

فعل ماضی سوم شخص مفرد و حالت مصدری آن در گویش نهاوندی به یک شکل است. اما تفاوت در جای تکیه و قرار گرفتن آن است. معمولاً در حالت مصدری تکیه روی هجای دوم است در حالت فعلی روی هجای اول.

غذا پختن سخت است. qezâ poxtâ saxta

غذا را پخته است. qezâna poxta

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی

گذشته‌ی استمراری

شناسه‌های گذشته‌ی استمراری در گویش نهاوندی همان شناسه‌های گذشته‌ی ساده است.

با توجه به این‌که پیشوندهای فعلی mi, me, mo به گذشته‌ی ساده اضافه می‌شود.

مثال برای شناسه‌های گذشته استمراری: خوردن (xorda)

می خوردیم	moxordim	می خوردم	moxordem
می خوردید	moxordit	می خوردی	moxordi
می خوردند	moxorden	می خورد	moxord

شناسه‌ی حال استمراری

شناسه‌های حال استمراری همان شناسه‌های حال و آینده است. در گویش نهاوندی برای ساختن حال استمراری مشتقات "dašta" (داشتن) را با افعال دیگر صرف می‌کنند.

dârem moxorem	دارم می خورم	dârim moxorim	داریم می خوریم
dâri moxori	داری می خوری	dârit moxorit	دارید می خورید
dâra moxora	دارد می خورد	dâran moxoran	دارند می خورند

وندهای فعلی

وندهای فعلی پیشوندها و پسوندهایی هستند که به ستاک فعل اضافه می‌شوند و معانی متفاوتی را ایجاد می‌کنند.

پیشوند تکواژی است که به اول فعل اضافه می‌شود. پیشوند /mi/ یکی از متداول‌ترین پیشوندها در گویش نهاوندی است. این پیشوند گاهی با توجه به زنجیره‌ی کلام با واکه‌ی /â/ همگون می‌شود و به همان صورت باقی می‌ماند. مانند /mi/ در mi yâm (می‌آیم)، mi yam (می‌آیند) و mi yâran (می‌آورند). در این مثال‌ها هم‌خوان /y/ واج میانجی است. گاهی پیشوند /mi/ در زنجیره‌ی کلام به سبب هماهنگی واکه‌ای به صورت /ma/ در می‌آید و از گونه‌ی فارسی فاصله می‌گیرد و متغیر می‌شود.

می‌برم (نهاوندی) ma rem → (فارسی) mi baram

که به نظر می‌رسد mi baram در ابتدا به صورت ma barem در آمده و سپس هجای /ba/ از واژه حذف شده است و /mi/ با واکه‌ی a هماهنگ شده و به صورت /ma/ در آمده است.

مثال دیگر برای ایجاد و هماهنگی واکه عبارت است از:

می‌بندم mi bandam → ma banem → ma nem

گاهی پیشوند /mi/ در زنجیره‌ی کلام تحت فرایند آوایی هماهنگی واکه‌ای به /mo/

تبدیل می شود. مثال :

می بُرم (نهاوندی) \rightarrow morem \rightarrow moborem \rightarrow mi boram (فارسی)

در این جا ابتدا هماهنگی واکه رخ می دهد یعنی واکه ی /i/ با واکه ی ریشه یعنی /o/ هماهنگ شده و سپس هجای /bo/ حذف گردیده است. این حذف به علت تاریخی و اقتصاد زبانی قابل توجیه است.

نکته: در برخی از این افعال حذف صورت نمی گیرد و هماهنگی واکه ای پیشوند با ستاک وجود دارد.

(فارسی)		(نهاوندی)		
می خورم	\rightarrow	mo xorem	\rightarrow	mi xoram
می ستانم	\rightarrow	mo sonem	\rightarrow	mi setānam
می کشم	\rightarrow	mo košem	\rightarrow	mi košam

گاهی تکواژ /mi/ در زنجیره ی کلام به علت فرایندهای آوایی به تکواژ /me/ تبدیل می شود.

(فارسی)		(نهاوندی)		
می ریزم	\rightarrow	me rizem	\rightarrow	mi rizam
می اندازم	\rightarrow	me nâzem	\rightarrow	mi yandâzam
می جوریم	\rightarrow	me jurem	\rightarrow	mi juyam

به صرف زیر توجه کنید.

می آوردیم	mi yârdim	می آوردم	mi yârdem
می آورید	mi yârdit	می آوردی	mi yârdi
می آورند	mi yârden	می آورد	mi yârd

در مثال بالا چون ستاک فعل با واکه آغاز شده است قبل از اضافه شدن پیشوند /mi/ به ستاک فعل واج میانجی /y/ اضافه شده است. تا از تلاقی مصوّت‌های /i/ و /a/ جلوگیری شود.

پیشوند /ba-/

تکواژ /ba/ به عنوان پیشوند به ستاک فعل اضافه می‌شود و فعل امر می‌سازد. این پیشوند در گویش نهاوندی از بسته بودن واکه به باز بودن حرکت کرده است.

bokon	→	bako	بکن
boro	→	baro	برو
boxor	→	baxor	بخور
bexân	→	baxo	بخوان
bestân	→	baso	بستان
begir	→	beyr	بگیر

در مورد آخر، واج میانجی /g/ در گویش رسمی به واج میانجی /y/ تبدیل شده است.

در صورتی که ستاک فعل با واکه آغاز شود تکواژ /ba/ به تکواژ /bi/ تبدیل می‌شود.

مثال:

ba + âr → biyâr

ba + â → biyâ

پیشوندهای منفی ساز

به نظر می‌رسد در گویش نهاوندی رایج‌ترین پیشوند منفی ساز تکواژ /na-/ باشد. این پیشوند به سبب همگونی جایگاهی به صورت بافت‌های دیگر در می‌آید (مثال آخر).

پیشوند	→ ستاک فعل	فعل نهی	فارسی
na	+ ro	→ naro	نرو
na	+ ko	→ nako	نکن
na	+ xor	→ naxor	نخور
na	+ so	→ naso	نستان
na	+ vâr	→ navâr	نبار
na	+ gu	→ no	نگو

در مورد آخر واکه‌ی /a/ به واکه‌ی /o/ هماهنگی پیدا کرده و هم‌خوان /g/ به علت سهولت در گفتار که در گونه‌ی زبان فارسی هنوز حفظ شده است حذف شده است و به صورت "no" در آمده است.

اگر ستاک فعل با واکه آغاز شود، بعد از پیشوند یاد شده واج میانجی /y/ آورده می‌شود و پیشوند به صورت /ni/ در می‌آید.

قبل از تغییر		←	بعد از تغییر	فارسی
nayâr	در مقایسه با	←	niyâr	نیار
nayâmâ	در مقایسه با	←	niyâmâ	نیامد
nayâ	در مقایسه با	←	niyâ	نیا
nayâvard	در مقایسه با	←	niyârd	نیاورد
nayârad	در مقایسه با	←	niyâra	نیارد

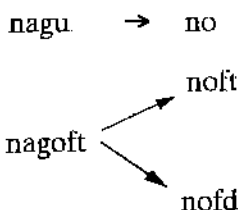
در مثال‌های فوق واکه‌ی پیشوند از حالت باز به صورت بسته حرکت کرده است.

در کلمات زیر پیشوند منفی‌ساز به صورت /ne/ در آمده است. به نظر می‌رسد این

تبدیل به سبب آغاز شدن ستاک فعل با واج /m/ باشد.

nemiyâ	نمی‌آید
nemiyâra	نمی‌آورد
nemoxâ	نمی‌خواهد
nemera	نمی‌رود
nemeniša	نمی‌نشیند

پیشوند منفی ساز در فعل no (نگو) و noftem (نگفتم) به صورت no در آمده است .
واکه‌ی ستاک فعل در هر دو فعل /o/ بوده است . تغییرات به شرح زیر است :



در مورد اول به علت اقتصاد زبانی و اصل کم‌کوشی و سیر زبان به ساده شدن یک هجا کم شده است . یعنی /gu/ حذف شده است و واکه‌ی ستاک فعل یعنی /u/ بر واکه‌ی پیشوند اثر کرده و آن را به سبب همگونی با /n/ که پیشین است به صورت /o/ در آورده که به سوی پیشین بودن حرکت کرده است . یعنی از /u/ به سوی /o/ آمده است . چون تلفظ «no» ساده‌تر از «nu» است .

در فعل noft نیز حذف هجا صورت گرفته و باز هم واکه‌ی ریشه فعل بر واکه‌ی پیشوند اثر کرده و آن را به صورت /o/ در آورده است . باقی ماندن همخوان /f/ اثری است که از همخوان /g/ باقی مانده است و با همخوان بیواک /t/ همگونی دارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پسوند :

پسوندها عناصری هستند که به افعال اضافه می‌شوند و حامل معنای گوناگون هستند . معروف‌ترین پسوندهای فعلی شناسه‌های شخصی ، پسوندهای مجهول ساز ، پسوندهای سببیت و نشانه‌ی مصدری هستند . پسوندهایی که به صورت شناسه‌ی شخصی به کار می‌روند به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت . مثلاً پسوند /-em/ از فعل xordem به معنی خوردم و یا پسوند /-a/ در xorda به معنی خورد نمونه‌ای از شناسه‌ی شخصی هستند . اکنون به بررسی پسوندهای دیگر می‌پردازیم .

پسوندهای مجهول ساز:

تکواژ ماضی ساز /-es/ ضمن این که بر ماضی بودن فعل دلالت دارد می تواند نقش مجهول کردن فعل را نیز داشته باشد. مانند *rextes* به معنی ریخته شد.

پسوندهای نشاندهی مصدری:

همان طور که قبلاً گفته شد پسوند /a/ نشانه‌ی مصدری است که به آخر ستاک ماضی فعلی اضافه می شود و مصدر می سازد. مانند *rexta* به معنی ریختن. مثال های زیر پسوندهای مذکور را روشن تر می سازد.

<i>rexta</i>	ریختن
<i>rextes</i>	ریخت
<i>rextes</i>	ریخته شد
<i>rextesa</i>	ریخته شده

پسوندهای سببی و تعدی ساز:

اگر به ستاک فعل، تکواژ /-enâ/ اضافه شود فعل متعدی ساخته می شود. سببی به این معناست که عامل دیگری سبب انجام کار شود. مانند فعل سببی *tarsenâm* به معنی ترسانده شدم یعنی کس دیگری سبب شده است که من بترسم. هم چنین است فعل های *larzenâm* به معنی لرزانده شدم و *ešgenâm* به معنی من چیزی را شکستم.

گاهی ضمیر متصل مفعولی به افعال بالا اضافه می شود و به صورت های زیر در می آیند:

<i>tarsenâmeš</i>	ترساندمش (او را ترساندم)
<i>larzenâmeš</i>	لرزاندمش (آن را لرزانددم)
<i>ešgenâmeš</i>	شکاندمش (آن را شکاندم)

در مثال های بالا پسوند /eš/ ضمیر متصل مفعولی است، یعنی ضمیر متصل سوم

شخص مفرد.